



▼ مختصر و خواننده پسند

رویکرد روان شناسی مشاوره و روان در مانی بادسترسی پذیری، وضوح و جهت گیری عملی آن مشخص می شود. کتاب به گونه ای تدوین شده که مختصر و خواننده پسند باشد و از سبک سنگین اصطلاحات تخصصی متون دانشگاهی سنتی اجتناب کند. پرسپوئال رویکردی یکپارچه اتخاذ می کند و روش های درمانی مختل را ترکیب می کند تا درک کل نگری از مشاوره ارائه دهد. این یکپارچگی و انسجام رویکردی به نوعی بازتاب دهنده واقعیت عمل درمانی مدرن هم است؛ جایی که متخصصان اغلب از نظریه های متعددی برای تطبیق مداخلات با نیازهای مراجعان استفاده می کنند.

ویژگی دیگر کتاب این است که مراجع محور است و فرایند درمانی را از منظر مراجعان و درمانگران بررسی می کند و به سؤالاتی اساسی مانند «مشاوره چیست و چگونه می تواند کمک کند؟» و «مشاوره چگونه با صحبت با خانواده و دوستان متفاوت است؟» پاسخ می دهد. پرسپوئال با بررسی آنچه مشاوره نمی تواند انجام دهد، انتظارات واقع بینانه ای ایجاد می کند که برای تقویت اعتماد به فرایند درمانی افرادی که به تازگی وارد فضای روان شناسی و روان درمانی شده اند، حیاتی است. علاوه بر این، نویسنده در کتاب خود عینکی امروزی بر چشم می زند و روندهای فعلی در سلامت روان، مانند حرکت از مدل های مبتنی بر بیماری به رویکردهای مبتنی بر نقاط قوت مانند روان شناسی مثبت را به بحث می گذارد و از آن سو نیز به چشم اندازهای دور و درازتر این حوزه مانند تأثیرات فرهنگی و فناوری توجه دارد. گنجاندن مسائل حرفه ای تر مشاوره نظیر اخلاق و نظارت، به خوانندگان رویکرد عملی کتاب را اثبات و آنها را به مهارت های لازم برای مواجهه با چالش های دنیای واقعی در عمل مشاوره مجهز می کند.

▼ ترکیب دانش نظری و تجربه واقعی

ماری پرسپوئال؛ استاد دانشگاه، درمانگر و پژوهشگری است که ۱۵ سال تجربه در حوزه روان شناسی و درمان های روان شناختی دارد. او روان شناسی و مشاوره را به دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد در مؤسسات آموزش عالی درس داده و به عنوان درمانگر با مراجعان متعددی نیز کار کرده است. این نقش دوگانه به عنوان مربی و درمانگر، به نویسنده این توانایی و جسارت را داده که با اقتدار درباره روان شناسی مشاوره بنویسد و بدین ترتیب کتاب او به اثری با ترکیبی برابر از دانش دانشگاهی و بینش های عملی برگرفته شده از تجربه واقعی تبدیل می شود. نقش پرسپوئال به عنوان پژوهشگر نشان می دهد که او با شواهد علمی پشتیبان رویکردهای درمانی مختلف آشنایی دارد و این نکته در جای جای کتاب و مباحث آن به روشنی مشخص است.

کتاب روان شناسی مشاوره و روان درمانی را می توان اثری به موقع و ارزشمند در حوزه روان شناسی مشاوره توصیف کرد که مقدمه ای قابل فهم، یکپارچه و عملی به فرایند درمانی ارائه می دهد. اهمیت کتاب در قابلیت آموزشی آن برای طیفی از مخاطبان و گستره موضوعی مباحث، رویکردها و ملاحظات اخلاقی مشاوره است. همه ما می دانیم که در چشم انداز معاصر ادبیات سلامت روان، ارزشی انکارناپذیر دارد و باتوجه به محبوبیت روزافزون و جهانی بهزیستی روان شناختی، به نظر می رسد کتاب روان شناسی مشاوره را باید اثری مفید و درخور ارزیابی کرد.

فیلسوف و دقت یک مورخ، به بررسی عمیق ترین و پیچیده ترین مسائل اخلاقی می پردازد. او تنها به تحلیل فلسفی محض بسنده نمی کند، بلکه با مستندسازی دقیق وقایع تاریخی و روایت های شخصی، به بحث های خود بُعدی عینی و ملموس می بخشد.

چالش با خوش بینی روشنگری: قرن بیستم، با وجود پیشرفت های علمی و بشردوستانه قرن نوزدهم، به طرز غیرمنتظره ای با قرن فجایع و خشونت های بی سابقه تبدیل شد. گلاور با این خوش بینی رادیکال اولیه به شدت درگیر می شود و نشان می دهد که چگونه قرن هیتلر، استالین، پُل و صدام حسین، انتظارات بشریت را در مورد پیشرفت اخلاقی در هم شکست.

فهم «چرا» به جای «چه اتفاقی افتاد»: هدف اصلی گلاور صرفاً بازگویی وقایع نیست، بلکه درک ریشه ها و سازوکارهای روان شناختی و اجتماعی است که انسان را به سوی ارتکاب شر سوق می دهند. او به دنبال یافتن پاسخ این پرسش است که چرا و چگونه افراد می توانند دست به چنین اعمالی بزنند.

قابل فهم بودن برای عموم: با وجود مباحث عمیق فلسفی و جامعه شناختی، گلاور متنی روان و دلنشین ارائه می دهد. روایت های تلخ و در عین حال انسانی او، خواننده را با خود همراه می کند و باعث می شود تا این کتاب فراتر از محافل آکادمیک، برای عموم مردم نیز قابل دسترسی و آموزنده باشد. زبان ساده و داستان گونه کتاب، حتی تلخ ترین وقایع را به گونه ای نقل می کند که خواننده از درک آن همزمان که می آموزد، لذت ببرد.

*توصیه های اخلاقی: با وجود روایت هولناک تاریخ، گلاور کاملاً ناامید نیست. او به امکان پیشرفت اخلاقی باور دارد و پیشنهاداتی برای تقویت «تخیل اخلاقی» (توانایی درک جهان از دیدگاه دیگران) و همدلی ارائه می دهد. او معتقد است که با درس گرفتن از گذشته، می توانیم حلقه های دفاعی مطمئن تری در برابر احیای سیاست های خشونت آمیز ایجاد کنیم. این کتاب به دلیل تحلیل عمیق و چندرشته ای اش، مورد تحسین منتقدان برجسته ای مانند پیتر سینگر و استیون پینکر قرار گرفته است. سینگر آن را «دستاوردی خارق العاده» و پینکر آن را «درخشان، تأثیرگذار و بی نهایت مهم» توصیف کرده اند. ترجمه افشین خاکباز؛ با دقت در انتقال اصطلاحات فلسفی و حفظ ساختار استدلالی گلاور، این اثر را به منبعی ارزشمند برای خوانندگان فارسی زبان تبدیل کرده است. «انسانیت» به ویژه برای دانشجویان فلسفه، تاریخ و علوم اجتماعی، همچنین افرادی که به تحلیل اخلاقی رویدادهای تاریخی علاقه مندند، اثری ضروری است.

از پرشیا تا ایران

روایت تلاش تقی ارانی برای ساختن ایرانی نو
فراتر از قوم گرایی و اقتدار

معرفی کتاب

کشف ایران

نویسنده: علی میرسپاسی
مترجم: رامین کریمیان
انتشارات: نی
قیمت: ۳۵۰ هزار تومان



نیلوفر نادری

دانشجوی دکتری
جامعه شناسی

کتاب «کشف ایران: تقی ارانی و جهان وطن گرایی رادیکال او» نوشته علی میرسپاسی و ترجمه رامین کریمیان، یکی از تازه ترین آثار نشر نی است که با نگاهی ژرف نگراانه به بازخوانی تاریخ ملی گرایی در ایران می پردازد. تمرکز اصلی این کتاب بر شخصیت و آثار دکتر تقی ارانی است؛ متفکری برجسته که در دهه ۱۳۱۰، میان دو جنگ جهانی اول و دوم، نقشی اساسی در شکل گیری مفاهیم نوین ناسیونالیسم ایفا کرد. کتاب میرسپاسی تلاشی هوشمندانه برای بازتعریف ملی گرایی در ایران مدرن است؛ بازتعریفی که نه در چارچوب اقتدار گرایی، بلکه در بستر ملی گرایی مدنی و جهان وطن گرایی ریشه دار در اندیشه های ارانی ارائه می شود. این اثر با تکیه بر منابع اصیل و نوشته های کمتر دیده شده ارانی می کوشد تصویری چندبعدی از یک دوره حساس تاریخی و فکری ایران ارائه دهد؛ دوره ای که کمتر مورد توجه اندیشمندان بوده است؛ فاصله میان دو جنگ جهانی.

▼ ارانی؛ پیشگام ناسیونالیسم مدنی

به نظر میرسپاسی، تقی ارانی را می توان یکی از پیشگامان ناسیونالیسم مدنی در ایران دانست. برخلاف بسیاری از قرائت های رایج در دهه ۱۳۱۰ که ملی گرایی را به ابزار اقتدار و وحدت عمودی تقلیل می دادند، ارانی نگاهی انسانی، علمی و اخلاق محور به مفهوم وطن داشت. در اندیشه او، «مراقبت از وطن» کلیدواژه ای محوری بود؛ وطنی که نه در نژاد و خون و تاریخ اسطوره ای، بلکه در مردمی با زبان، فرهنگ، خوراک، زمین و آفتاب مشترک معنا می یابد. ارانی به وحدت در عین کثرت باور داشت. او معتقد بود ایران می تواند با پذیرش تنوع قومی، زبانی و فرهنگی خود به وحدتی واقعی دست یابد و زبان فارسی را به عنوان پیوندی میان فرهنگ هاونه ابزار سلطه معرفی می کرد. او در آثارش زبان فارسی را میانجی وحدت فرهنگی و عامل هویت مدرن ایرانی معرفی کرد.

▼ مارکسیسم اخلاقی و جهان وطن گرایی

کتاب میرسپاسی نشان می دهد که اندیشه های ارانی بر پایه نوعی مارکسیسم اخلاقی و جهان وطن گرایی رادیکال استوار است. او اگرچه از ابزارهای تحلیلی ماتریالیسم تاریخی بهره می برد، اما آن را با نوعی نظام اخلاقی تلفیق کرد که در پی رشد انسان و جامعه به سوی عدالت، برابری و اشتی با جهان است. به گفته ارانی، وطن دوستی واقعی به معنای طرد ملت های دیگر نیست، بلکه باید در برابر ناسیونالیسم های نژادپرستانه ایستاد و در پی برساختن ایرانی بود که بتواند در کنار دیگر ملت ها، به پیشرفت مشترک انسانی کمک کند. او معتقد بود که باید کینه ریزی و دشمنی با «دیگری» را کنار گذاشت و ملی گرایی را در نسبت با اخلاق جهانی بازتعریف کرد. یکی از نکات قابل تأمل در تفکر ارانی که کتاب «کشف ایران» بر آن تأکید دارد، نگاه دیالکتیکی او به مدرنیته است. او طرفدار آموزش علوم نوین، گسترش آموزش همگانی و آزادی های سیاسی و اجتماعی بود. با این حال، مدرنیته را نه در تقابل با گذشته، بلکه در پیوندی انتقادی با آن می دید. به باور او، توسعه نباید با حذف تاریخ همراه باشد. ایران باید هم گذشته پیشاسلامی خود و هم میراث اسلامی اش را بپذیرد و در لحظه اکنون با جهان وارد دیالوگ شود.

ارانی در مخالفت با باستان گرایی که تاریخ بعد از اسلام را نادیده می گرفتند، همچنین در برابر سنت گرایی که تغییر را نفی می کردند، بر یک مدرنیته فراملی و متکی بر تجربه زیسته

هیچ کس شاهد واقعی نیست، اما همه مسئولیم



حامد خانجانی

دانش آموخته
فلسفه اخلاق

روزنامه ها و رسانه های کشور این روزها آینه های از رنج های بی پایان هستند. از گزارش های دقیق حملات نظامی تا روایت های شخصی بازماندگان از جنگ. شرحی از زندگی آنها که در پی حملات اسرائیل شهید شده اند. گزارش هایی سرشار از رنج. اما پرسش بنیادین اینجا است؛ مغز آدمی چه سطحی از مصیبت را می تواند درک کند؟ روایت ساکنان محله فردوسی آستانه اشرفیه. ۱۲ نفر از یک خانواده در یک حمله کشته شده اند؛ دکتر محمدرضا صدیقی صابر و خانواده اش. فرزند ۱۷ ساله دکتر، هفته اول جنگ در حمله به خانه ایشان در تهران به شهادت رسید. همسایه ها می گویند، از پس از حمله به دو خانه در آستانه اشرفیه که منجر به شهادت ۱۶ نفر شد تا روز بعد، از باغچه های اطراف دست و پاها ی قطع شده پیدا می کردند. گزارش تابوتی که یک نفره به خاک سپرده شد. پدري که تابوت کودکش را تنهایی به دوش کشیده است. گزارش حمله به زندان اوین و شهادت ۷۹ نفر از زندانیان، مددکاران، سربازان و مردم عادی. همگی گویای عمق فاجعه ای هستند که از مرزهای ادراک انسانی فراتر می رود. اما آیا ذهن انسان اساساً قادر به درک کامل چنین مصائبی است؟ و چنانچه نیست، مسئولیت اخلاقی ما در مواجهه با مصیبت های اینچنین چیست؟

جواد، از دوستان محل کار، یکشنبه که آمده بود می گفت، شبی که بُستان آباد در آذربایجان شرقی را زدند، تا روزهای بعد زنان و بچه ها در کوچه ها و خیابان ها، بهمت زده، زار می گریسته اند.

همه ما این روزها یا تجربه ای نزدیک از حمله و انفجار و از دست دادن خانواده، خوشاوند، دوست و آشنا داریم یا گزارش ها و روایت های حملات را، چیزی بیش از صدای زنده وایی و انفجار در دوردست، شنیده یا خوانده ایم. اما مغز ما ظرفیت محدودی برای درک مصائب دارد. هر چقدر مصیبت ها بزرگ باشند.

ذهن انسان دارای حالتی است که در مواجهه با تراژدی های غیر قابل تحمل، به یک نوع بی حسی روی می آورد. این حالت یکی از مکانیسم های بقای روانی است. از منظر عصب شناختی، آمیگدال (مرکز پردازش ترس در مغز) و هیپوکامپ (حافظه) در مواجهه با تروما های شدید، ممکن است دچار اختلال عملکرد شوند. مطالعات نشان می دهند که در «اختلال استرس پس از سانحه»، فعالیت آمیگدال کاهش می یابد. این نه به معنای عدم احساس، بلکه نوعی خاموشی اجباری سیستم هشدار مغز است. این موضوع نشان می دهد چرا برخی قربانیان خشونت، جزئیات را به یاد نمی آورند. برخی از سربازانی که در جنگ شاهد کشتار بوده اند، اغلب گزارش می کنند که صحنه را مثل یک فیلم دیده اند. یک جور حس غیرواقعی بودن. در بی حسی روانی، فرد چنان است که گویی یک پرده شیشه ای او را از جهان جدای می کند.

از منظر فلسفه، اشخاصی مانند ژان آبری معتقدند رنج مطلق غیر قابل انتقال است. حتی زبان هم در توصیف آن ناتوان است. مغز ما به طور غریزی در برابر رنج گسترده مقاومت شناختی نشان می دهد، گویی که پذیرش کامل آن، ساختار روانی ما را فرو می پاشد. کی ریگزور در کتاب «مفهوم اضطراب»، استدلال می کند که رنج عمیق ترین سطح آگاهی را می گشاید، اما هم زمان، غیر قابل انتقال است. امانوئل لویناس در «کیلیت و بی نهایت» عنوان می کند رنج دیگری هر چند برای من به طور کامل قابل فهم نیست، اما مسئولیت اخلاقی مطلق را بر دوش من می گذارد. اینجا است که تراژدی از یک پدیده روان شناختی صرف فراتر رفته و به چالشی فلسفی-اخلاقی تبدیل می شود.

اگرچه درک کامل رنج ممکن نیست، اما ژاک دریدا در مفهوم «سوگواره» هشدار می دهد که فراموشی، بزرگ ترین خیانت به قربانیان است. تاریخ نشان داده است، جوامعی که تراژدی را روایت نکنند، محکوم به تکرار آن هستند. پرمیو لوی، شیمیدان بازمانده از اردوگاه آشویتس، در کتاب «آیا این یک انسان است؟» می نویسد: آنچه اتفاق افتاده، غیرقابل باور است؛ اما چون غیر قابل باور بود، اتفاق افتاد.

در نهایت شاید پاسخ به محدودیت های ادراکی انسان در برابر تراژدی، نه در فهم کامل آن، بلکه در پاسخ اخلاقی به آن باشد. در روایتگری دقیق، در همدردی فعال و بازشناسی مسئولیت خود در سیستم هایی که این رنج را تولید کرده اند و پرهیز از بی تفاوتی.

رنجی بزرگ شاید هرگز به طور کامل درک نشود، اما همین ناتوانی در درک، خود نشان دهنده عمق فاجعه است. شاید وظیفه ما نه فهم تمام عیار تراژدی، بلکه تلاش برای جلوگیری از تکرار آن و حفظ حرمت قربانیان از طریق یادآوری است. هیچ کس شاهد واقعی نیست، اما همه ماسئولیم.